

چون آن را بگردانند
و ما را بگردانند

و چرخه در محیط ریاضیه عرفه شده و نه مانند طالبان علوم
که مفید نام و مانند مخیر میان خیالات و اوها مکنه بلکه پای
هت از ایش دینی و عقیق اشاعت فاخلف تعلیم لشکر و از بود
عالم کسوس و معقول رهید انش عشق و محبت در سویدای دل
افزونه و نیز او بهی برهوم خود را بر سخات شع جلال اخذ
سوزنه از نیک وجود فانی رسنه و کجیف باقی بیوسنه و ال الله
شرا و زنا کتاب الدین اصطفا بن عبدنا فیمهم طالم لفت و مضم
مفید و مضم سابق بالخیار است رادن الله بط
دینی طلب که طالب اوست کلام بگذر ز ثواب عقی و پیر عتاب
چون عاشقی ای دل بسوی ^{شمار} و از تو فنا خواهد از روی نثار
در نفس خمر علم و عمل و سواست کجوس هوای نفس شر الناس لبت
نسناوس شکل ناس هم حساس هز ناس که حق شناس و شناس
ای دل شها رحع اسباب صوت از بر اسبب تفرقه لبت ان اسباب
خون کار تو با سبب الاسباب دست از هم باز دارند از در باب
در بد رسه ای جلیب و سوسبت علم نبوی حکمت و هدیه است
اسرار نیکان حسن و عشق از روی در مملکت بجوی که در بد رسه است
مفتاح هنی حق جل و علا پیدا از همیشه است چه او خود پیدا است
و اشیا بدو هویدا الله نور السموات و الارض الایه از آن بصری واسطه
نور دیگر چون شعاع منور نشود با وجود آنکه شعاع از غایت
در آن حالت از رویت منور نماید تا آنکه غفل در بین بعضی باقی
ان نور زبان کشاید نوری که واسطه از آن شعاع بود بر آن
مدار هر یک از ناس نشود نور علی نور کهدی الله نور من نور
هر دید

و این شعاع است که
نور را در دل
نورانی است که
در دل میماند

Copyright King University

Copyright King University